



حجة الاسلام والمسلمین
قدیری

فقہ



بحثی درباره نماز مسافر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اول - اصل اعتبار مسافت :

اما دلیل اصل اعتبار مسافت ، اجمالا همین موضوع قصر یعنی " ضرب فی الارض " یا سقر است چون اگر مسافتی نباشد ضرب فی الارض و سقر صادق نیست . علاوه بر این ، روایاتی که برای تقدیر مسافت وارد شده فی الجمله دلالت بر اعتبار اصل مسافت نیز میکند .

دوم - مقدار مسافت :

مقدار مسافت ، هشت فرسخ است و دلیل آن گذشته از اجماعات منقولهای که در سألہ ادعا شده نصوص مستفیضه و فراوان

اعتبار عنوان سفر در موضوع و یا شگ در اعتبار غیبت از محل سکونت در مفهوم سفر ، به همین اصل رجوع میشود ، این اصل از مفهوم قصر روایات استفاده میشود .

شرائط قصر :

۱ - مسافت . مقدار آن هشت فرسخ امتدادی و یا هشت فرسخ ملحق (مرکب) از رفتن و برگشتن است . در اینجا چند مطلب باید اثبات شود . یکی اصل اعتبار مسافت ، دوم : مقدار مسافت ، سوم : کفایت تلفیق ، چهارم : کیفیت تلفیق و پنجم : زمان تلفیق و اینک تفصیل آن :

خلاصه بحث قبل :

بر مسافر ، نماز شگسته (قصر) واجب میشود و اگر تمام بخواند نمازش صحیح نیست . همه علماء مذهب شیعه و معظم علماء اهل سنت بر این امر فتوی داده اند و روایات صحیحه هم دلالت بر آن دارد . موضوع این حکم ، مسافر است که با وجود شرائطی که ذکر می شود ، باید نماز های چهار رکعتی خود را شگسته بخواند . البته اصل اولی در نماز ، چهار رکعتی بودن آنست و تا هنگامیکه با دلیل شگسته شدن نماز اثبات نشود مقتضای آن اصل این است که باید نماز را تمام بخواند و بسا شکر

است. چنانکه در روایت موثقه سماعه وارد شده که: "فی کم تقصیر الصلاة فقال (ع) فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فرسخ" یعنی سماعه از حضرت سوال کرد درجه مقدار نماز شکسته میشود؟ حضرت فرمود در مسیر یک روز و آن دو بیکاست و دو بیک هشت فرسخ است. و در روایت فضل است که "انما جعل التقصیر فی ثمانیه فرسخ، لا اقل من ذلک و لا اکثر" و در روایت صحیحه کاهلی است که "برید فی برید اربعه و عشرون میلا" و در روایت ابن حجاج است که "اربعه و عشرون میلایکون ثمانیه فرسخ" و در صحیحه ابو ایوب است که "فی بریدین اوبیاض یوم" و روایات در این مساله زیاد است. چنانکه ملاحظه میشود عنوان موضوع در روایات به تعبیرهای گوناگون وارد شده که عبارت است از: "بریدین"، "بیاض یوم"، "مسیره یوم"، "ثمانیه فرسخ"، "اربعه و عشرون میلا". ولی چون معلوم است که همه این عناوین برای بیان یک حد است و واقع آن حد - بین مبداء و منتها - یکی بیشتر نیست و همه این عناوین اشاره به همان واقع میکند بنا براین نمیتوانیم موضوع قصر را باختلاف این عناوین مختلف بدانیم بخصوص که در روایت سؤال از حد آن شده که "فی کم التقصیر؟" و حضرت جواب همان را داده اند. و این حد واحد طبعاً بحسب میل و فرسخ مشخص میشود و "مسیر یوم" یا "بریدین" دو عنوان طریقی هستند برای بیان میل و فرسخ و مقدار آن در روایات ۲۴ میل یا ۸ فرسخ ذکر شده که مساوی یکدیگرند (۱) بنا بر این جمع بین این روایات که عناوین موضوعات آن مختلف است باین نحو است

که روایاتی را دلیل بگیریم که حد مسافت را با واحد مسافت یعنی میل یا فرسخ بیان میکند و روایات دیگر را حمل بر آن کنیم و بگوئیم "مسیر یوم" یا "بریدین" طریقی برای شناخت همان حد معین یعنی هشت فرسخ یا ۲۴ میل میباشد و اضافه بر این جمع - که عقلانی و صحیح است - روایت موثقه سماعه که جمع بین همه این عناوین کرده حکومت تفسیری بر تمام روایات باب دارد زیرا پس از سؤال سماعه از مقدار مسافت، حضرت میفرماید: "مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فرسخ" یعنی کمیت مسافت مسیر یک روز است و آن دو بیک است و آن دو بیک هشت فرسخ است. پس معلوم میشود مقدار همه عناوین هشت فرسخ است. و از اینجهت است که فقهاء اسلام با توجه باین عناوین مختلفه هشت فرسخ را موضوع گرفتارند و بقیه را حمل بر آن کرده اند. و آنچه در این روزها توهم شده که اصل، مسیر یوم است و بقیه عناوین برای بیان آن است و سابقاً که با شتر مسافرت میشده در یک روز ۸ فرسخ بسادو بیک میرفتند ولی امروز با وسائل جدید مسیر روز خیلی زیادتر از اینهاست غفلت از "جمع دلالتی" بین روایات است که میتوان عمده فقه را در جمع بین روایات دانست و کیفیت جمع چنانکه ذکر شد بدو نحو است: یکی اینکه واقع حد - که مورد سؤال و جواب در روایات است - یکی است و یک مبداء و منتها دارد و این حد معین را با واحد آن که میل و فرسخ است بیان میکند بنا براین بقیه عناوین، طریقی است و نحوه دوم حکومت تفسیری روایت موثقه سماعه است بر بقیه روایات که تمام عناوین را به هشت فرسخ بر میگرداند و حمل این مقدار بر زمان سابق که با شتر مسافرت میشده حمل بدون دلیل و جمع بین روایات بدون شاهد است.

سوم - کفایت تلفیق

مسافت تلفیقی در صورتی است که مجموع

رفت و برگشت بمقدار هشت فرسخ باشد. گرچه ظاهر روایاتی که قبلاً ذکر شد دلالت بر اعتبار مسافت امتدادی دارد لکن روایات متعددی دلالت بر کفایت تلفیق میکنند مثل روایت صحیحه معاویه بن وهب:

"قلت لابی عبدالله (ع) ادنی ما - یقتصر فیه المسافر؟ فقال (ع): برید ذاهبا و برید جائیا" یعنی معاویه گفت خدمت حضرت صادق (ع) عرض کردم کمترین مقداری که مسافر در آن مقدار باید شکسته بخواند چه مقدار است؟ فرمود بمقدار یک بیگ (چهار فرسخ) رفتن و بمقدار یک بیگ (چهار فرسخ) برگشتن و روایت صحیحه زراره: "سالت ابا جعفر علیه السلام عن التقصیر، فقال: برید ذاهب و برید جائی... که همان دلالت صحیحه اول را دارد. بنا براین بقرینت این روایات از ظهور روایات قبل در اعتبار مسافت امتدادی صرف نظر میکنیم و نتیجه میگیریم که اگر هشت فرسخ در مجموع رفت و برگشت باشد کافی است و نماز شکسته میشود.

چهارم - کیفیت تلفیق

آیا باید در مسافت تلفیقی رفتن بمقدار چهار فرسخ و برگشتن نیز بآن مقدار باشد یا اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و برگشتن بیشتر یا بالعکس ولی مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ باشد کافی است؟ جمعی از فقهاء عظام فرموده اند که شرط است هیچیک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد. این عمده تسک کرده اند بظهور دو صحیحه قبل "برید ذاهبا و برید جائیا". و جمعی از ایشان من جمله حضرت امام فرموده اند که رفتن نباید کمتر از چهار فرسخ باشد هر چند برگشتن کمتر باشد. و ظاهراً صحیحه زراره از حضرت باقر (ع) مؤید این قول است که "التقصیر فی برید و البرید اربعه فرسخ".

جمعی دیگر از علماء از جمله مرحوم

سید طباطبائی صاحب عروفا لونی فرموده‌اند که مطلق تلفیق کافی است و چنانچه مجموع رفت و برگشت بمقدار مسافت باشد نماز شکسته است هر چند رفتن و برگشتن بمقدار چهار فرسخ نباشد. دلیلی که بر آن ذکر شده جمع بین روایات است که از آن استفاده میشود مطلق هشت فرسخ کافی است. این دلیل بظاهرش اشکال دارد چون روایات دسته دوم هریک از رفتن و برگشتن را چهار فرسخ ذکر نموده است بنا براین از جمع استفاده میشود که هشت فرسخ یا بایسد امتدادی باشد یا تلفیقی بطوریکه هریک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد. لکن مقتضای صناعیت، قول مرحوم سید است زیرا معلوم است که دسته دوم (روایات تلفیق) حکومت بر دسته اول (روایات مسافت) دارد و حکومت دو قسم است: حکومت الحاقی و حکومت تفسیری. مقصود از حکومت الحاقی این است که یک روایت، موضوعی را بموضوع روایت دیگر الحاق کنند با اینکه داخل آن موضوع نیست. مثل حکومت "الفقاع خمر" بر "الخمر حرام" که فقاع و خمر دو واقعیت هستند لکن دلیل حاکم، فقاع را بخمر الحاق میکند و منظور از حکومت تفسیری اینست که دلیل حاکم، دلیل محکوم را شرح

میدهد و تفسیر میکند مثل اینکه دلیلی اکرام فاسق را حرام کند و دلیل دیگر بگوید کسی که مرتکب گناه صغیره، تنها با شد فاسق نیست و مرتکب گناه کبیره فاسق است.

بعد از معلوم شدن این مقدمه، عرض میکنیم اگر حکومت روایات تلفیق بر روایات مسافت الحاقی باشد نتیجه این میشود که شکسته شدن نماز دو موضوع دارد مسافت امتدادی و مسافت تلفیقی و چون روایات تلفیق هریک از رفتن و برگشتن را چهار فرسخ بیان کرده است نتیجه میگیریم که حتما باید مقدار رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد ولی چنانچه حکومت روایات تلفیق بر روایات مسافت، تفسیری باشد نتیجه این میشود که موضوع شکسته شدن نماز فقط یک موضوع است و آن هشت فرسخ است اعم از اینکه امتدادی باشد یا تلفیقی. بنا براین فرقی بین اینکه رفتن یا برگشتن چهار فرسخ باشد یا بیشتر یا کمتر نیست، چون هشت فرسخ که موضوع است در همه اقسام موجود است و ظاهر اینست که حکومت روایات تلفیق بر روایات مسافت، تفسیری است و یک موضوع برای شکسته شدن نماز بیشتر نیست. پس فتوای مرحوم صاحب عروه موافقت با صناعیت است. و مؤید مطلب، روایاتی است که تلفیق را

موضوع قرار داده و علت حکم را ذکر نموده است مثل روایت موثقه ابن مسلم: "عن التقصیر قال ((ع)) فی برید، قلت برید؟ قال ((ع)) اذا ذهب بریدا و رجع بریدا فقد شغل یومه". یعنی ابن مسلم از حضرت راجع بموضوع شکسته شدن نماز سؤال کرد حضرت فرمود: یک پیک (چهار فرسخ) سؤال کرد یک پیک؟ فرمود وقتی یک پیک برود و یک پیک برگردد یک روز راه رفته است. پس از این موثقه و نظائر آن معلوم میشود بهر نحو که هشت فرسخ سیر شود نماز شکسته میشود چون در همانجا مسیر یوم، صادق است.

پنجم زمان تلفیق:

از مسأله قبل و روایات آن معلوم شد که فرقی نیست بین اینکه هشت فرسخ تلفیقی در یک روز یا در یک شبانه روز یا رفتن در یک روز و برگشتن در روزهای دیگر باشد و اطلاق روایات، تمام اقسام را شامل است ولی جماعتی از جمله مرحوم سید بحر العلوم فرموده‌اند که شرط است در تلفیق که مجموع رفت و برگشت در یک روز باشد و بعضی روایات استدلال نموده‌اند که خالی از ضعف سند با دلالت نیست و ما از ذکر آنها صرف نظر میکنیم و اطلاعات روایات، متبع است. والحمد لله رب العالمین.

۱- هر فرسخ مساوی سه میل است و هر میل چهار هزار ذراع است و ذراع حد بین آرنج دست تا سر انگشت وسطی است و آنچه با محاسبه بدست میآید هشت فرسخ تقریباً معادل ۴۵ کیلومتر است.

